

خبرها

ابراهیم داروغه زاده:

فیلم عبدالرضا کاهانی غیرقابل پخش است

بخش فرهنگی – آزاده نامداری در برنامه اینترنتی «کافه تماشا» میزبان ابراهیم داروغه‌زاده (دبیر سی و ششمین جشنواره فیلم فجر) بود و با او درباره حواشی این دوره از جشنواره گفت‌وگو کرد. به گزارش ایلنا، داروغه زاده در این گفتگو از تعداد زیاد فیلم‌های خوب و انتخاب سخت هیئت‌داوران صحبت کرد و به موضوعات مطرح‌شده درباره حذف فرش قرمز، کاخ جشنواره و .. پاسخ داد. او به تلاش برای اکران فیلم‌های توقیف‌شده در سینما اشاره کرد و از اکران «عصباتی نیستم» در آینده خبر داد.

فیلم‌های خوب و انتخاب‌های سخت هیئت‌داوران

دبیر سی و ششمین جشنواره فیلم فجر گریزی به این دوره از جشنواره و حواشی‌اش زد و ادامه داد: تعداد فیلم‌هایی که امسال در جشنواره شرکت کردند و شانس گرفتن سیمرغ را داشتند، زیاد بود، ما حدود ۸ فیلم خیلی خوب داشتیم که انتخاب را برای هیئت‌داوران سخت کرده بودند و کاندیداها بین همین فیلم‌ها توزیع شده بود.

وی افزود: سطح فیلم‌های این دوره از جشنواره نسبت به سال‌های گذشته خیلی بالاتر بود، استقبال مردم چشمگیر بود و سطح تعداد زیادی از فیلم‌ها بالای متوسط بود.

چه کسانی به فیلم‌های جشنواره رأی دادند؟

داروغه زاده در واکنش به سؤال نامداری درباره اینکه آیا حضور ارگان‌های مختلف در تولید آثار سینمایی و بلیت‌هایی که در جشنواره توزیع کردند، تأثیری در نتیجه آرا مردمی داشته است؟ افزود: امسال فقط حدود ۵۰ درصد بلیتی که مردم اینترنتی پیش‌خريد کرده بودند، امکان شرکت در نظرسنجی را داشتند و رأیشان شمرده شد.

دلایل حذف «کاخ جشنواره» و «فرش قرمز»

داروغه زاده درباره حذف «کاخ جشنواره» و «فرش قرمز» در این دوره از برگزاری جشنواره فیلم فجر هم گفت: در دو سال گذشته ما در سینمای ملت که سینمای مردمی بود «فرش قرمز» انداختیم، امسال به آن شکل سینمای مردمی نداشتیم و در سینماهای سطح شهر هم این ظرفیت و امکان وجود نداشت.

او ادامه داد: در تمام دنیا در جشنواره‌های این‌چنینی اهالی رسانه صاحب سینمای مستقل هستند، سینمایی که فقط اهالی رسانه و هنرمندانی که فیلم آن‌ها اکران می‌شود حضور دارند و جلسات نقد و بررسی هم در همان‌جا برگزار می‌شود، ما امسال حرفه‌ای رفتار کردیم و پردیس ملت به رسانه‌ها اختصاص پیدا کرد. داروغه زاده ادامه داد: متأسفانه سال گذشته در برج میلاد با مشکل غیراستاندارد بودن سالن و سیستم نمایش مواجه بودیم، علاوه بر این اصحاب رسانه مجبور بودند که در کنار دیگر مهمان‌ها فیلم را ببینند و گاهی ازدحامی که وجود داشت کار آن‌ها را مختل می‌کرد. این بود که امسال تصمیم گرفتیم از سالن برج میلاد که برای سینما استاندارد هم نیست به پردیس ملت کوچ کنیم.

تمشک طلایی منتقدان

روغه زاده درباره اعطا تمشک طلایی منتقدان به فیلم‌ها و اهالی سینما هم گفت: قلبا و ایجابا نظری درباره تمشک طلایی ندارم، سینمایی ما به حمایت نیاز دارد که این حمایت لزوماً تعریف کردن هم نیست، خوب است که منتقدان ما نقدهای حرفه‌ای بنویسند و به رشد سینما کمک کنند.

او ادامه داد: اگر فکر می‌کنند اعطا تمشک طلایی به سینمای ایران کمک خواهد کرد، نمی‌شود با آن مخالف بود. اما به‌طور کل این مسئله در سینمای جهان هم باب نیست.

از «باشو، غریبه کوچک» تا علاقه به سینمای فرهادی

داروغه زاده در ادامه از علاقه‌اش به سینما و فیلم‌های سینمایی موردعلاقه‌اش گفت و افزود: «ژانس شیشه‌ای»، «باشو، غریبه کوچک»، «سگ‌کشی»، «سفر به جزایه»، «مادر» مرحوم علی حاتمی و مجموعه فیلم‌های اصغر فرهادی فیلم‌های محبوب من هستند. او ادامه داد: البته «هامون» آقای مهرجویی را هم دوست دارم، هنرمندی که شاید آثار جدیدشان کیفیت فیلم‌های قدیمی‌تر او را نداشته باشد.

فضای مردانه و خشن جشنواره سی و ششم

دبیر سی و ششمین جشنواره فیلم فجر درباره اینکه چرا فیلم‌های جشنواره امسال «مردانه» و «خشن» بود، هم گفت: امسال موضوع تعداد زیادی از فیلم‌های ما دفاع مقدس و موضوعاتی درباره سوریه، داعش و .. بود، به طبع این موضوعات فضایی مردانه و خشن دارد و این موضوع ناگزیراست.

تعیین تکلیف فیلم‌های توقیفی سینما

داروغه‌زاده در پاسخ به این سؤال که بالاخره تکلیف فیلم‌های توقیفی سینما مثل «عصباتی نیستم» و «اردتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» چیست، گفت: سینمای ایران سالانه ۱۰۰ فیلم تولید می‌کند و اگر نگاهی به تعداد فیلم‌هایی که در ده سال گذشته با مشکل مواجه شدند بیندازیم می بینیم حداکثر تعداد آن‌ها ده فیلم خواهد بود یعنی سالی یک درصد.

وی افزود: ما باید نظارتی منطقی بر آثار داشته باشیم، اگر در مرحله مجوز پروانه ساخت سخت‌گیری کنیم و دقت‌مان را بالاتر ببریم، ریسک‌پذیری ما در سینما کمتر خواهد شد، یعنی ممکن است بخشی از فیلم‌هایی که می‌تواند ساخته و پخش بشود به مرحله تولید هم نرسند، اما ما به کارگردان‌ها اعتماد می‌کنیم، با این نگاه که فیلم‌هایی برای نمایش تولید خواهند شد.البته این اعتماد هم جواب داده و سالانه یک درصد از فیلم‌های ما با مشکل مجوز پخش مواجه می‌شوند.

«عصباتی نیستم» پخش می‌شود

داروغه‌زاده بابیان اینکه «عصباتی نیستم» در زمان من مجوز نگرفته و توقیف هم نشده، افزود: این فیلم که اثری سیاسی است و درباره شرایط اجتماعی سیاسی ایران در سال ۸۸ ساخته‌شده، در دوره خودش مجوز نگرفته است، اما در دولت آقای روحانی با فیلم‌ساز گفت‌وگو کردیم و اصلاحاتی هم انجام‌شده، باید بگویم «عصباتی نیستم» مجوز پخش گرفته و در فرصت مناسبی اکران خواهد شد.

فیلم کاهانی غیرقابل پخش است

او درباره فیلم «اردتمند؛ نازنین، تینا» اثر کاهانی هم گفت: فیلم ایشان هم در شورای پروانه نمایش و هم در شورای عالی نظارت رد شده، این فیلم غیرقابل پخش تشخیص داده‌شده و دلایلش را هم خود آقای کاهانی می‌دانند.

حضور بازیگر ترک در سینمای ایران منع قانونی ندارد

داروغه‌زاده در واکنش به حضور یک بازیگر ترک در سینمای ایران هم گفت: دلیل حضور این بازیگر را باید از تهیه‌کننده و کارگردان پرسید و ما به لحاظ قانونی منعی برای این موضوع نداریم.

وی ادامه داد: در سینما موضوعی به نام «تولید مشترک» وجود دارد که می‌تواند به اقتصاد سینمای کشور کمک کند، این فیلم سرمایه‌گذار ترک هم دارد و قرار است هم‌زمان در تهران و ترکیه اکران شود، مسلماً این اتفاق خوبی برای اقتصاد فیلم است.

{فر هنگ و هنر }

گفت و گو با محمد همتی به مناسبت انتشار رمان «شکوه زندگی» میثائیل کومپفمور

روایتی عاشقانه از کافکا

پیام حیدر قزوینی

«شکوه زندگی» عنوان رمانی است از میثاییل کومپفمور که نشر نو به تازگی آن را با ترجمه محمد همتی منتشر کرده است. میثاییل کومپفمور که در سال ۱۹۶۱ متولد شده از نویسندگان امروز ادبیات آلمانی زبان است. او در این رمان روایتی از بخشی از زندگی فرانتس کافکا به دست داده، روایتی که به دنبال نشان دادن وجهی دیگر از چهره کافکاست: کافکای عاشق. زندگی و آثار کافکا همواره از وجوه مختلف مورد توجه بوده اند و رد تاثیر آن ها را در بسیاری از نویسندگان و شاعران بعد از او می توان دید.

تاکنون نقدها و تفسیرهای متعددی درباره زندگی و آثار کافکا نوشته شده که برخی از آن ها به فارسی هم ترجمه شده اند. از میان آن ها می توان به «کافکا به روایت بنیامین» (ترجمه کوروش بیت سرکیسفل نشر ماهی)، «از کافکا تا کافکا»ی موری بلاتشو (ترجمه مهشید نونهالی، نشر نی) و «کافکا: به سوی ادبیات اقلیت» ژیل دلوز و فلیکس گوتاری (با چند ترجمه مختلف از جمله شاپور بهیان، نشر ماهی) اشاره کرد. از کافکا نامه ها و یادداشت هایی هم به جا مانده که آن ها نیز مورد توجه زیادی بوده اند. برای مثال الیاس کانه‌تی که خودش تحت تائی آثار کافکا بوده، در کتابی با عنوان «حکامه دیگر» به سراغ نامه های کافکا به فلیسه رفته است. این کتاب را نیز چند سال پیش نشر نو با ترجمه ناصر غیائی منتشر کرد. با این حال در طول چند دهه ای که کافکا در ایران مورد توجه بوده، غالباً چهره ای کلیشه ای از او وجود داشته و بر مسائلی مثل ترس از پدر، ترس از ازدواج، یاس، عقده حقارت و… تاکید شده است. و ویژگی های دیگر آثار او از جمله طنز پنهان و نهفته در داستان هایش در حاشیه قرار گرفته اند. از این حیث روایت کومپفمور در «شکوه زندگی» قابل توجه است. چرا که در این رمان می توانیم کافکایی دیگر را جست و جو کنیم. «شکوه زندگی» به کافکا و رابطه او را دورا دایامانت مربوط است، اما بیش از آنکه به زندگینامه او مربوط باشد به عنوان یک اثر داستانی مستقل مطرح است. نویسنده رمان در بخشی از موخره اش درباره نامه های کافکا و دورا دایامانت نوشته: «ثری از نامه نگاری فرانتس کافکا و دورا دایامانت باقی نمانده است. دورا دایامانت در تابستان سال ۱۹۲۴، تعداد بیست دفتر یادداشت و ۳۵ نامه کافکا را با خود به برلین برد که در ماه اوت ۱۹۳۳، گشتاپو در تفتیش خانه اش آن ها را مصادره کرد و از آن تاریخ گمشده به شمار می آیند.

دورا دایامنت تا سال ۱۹۳۶ در آلمان زندگی کرد و پس از آن سه سال در اتحاد جماهیر شوروی ساکن بود. اندکی پس از شروع جنگ جهانی دوم به انگلستان مهاجرت کرد و همان جا در سال ۱۹۵۲ در ۵۴ سالگی درگذشت. پدر کافکا تا سال ۱۹۳۱ و مادرش تا سال ۱۹۳۴ زنده بودند. خواهران کافکا الی و والی و اوتلا و همچنین خواهرزاده ای به نام هانا در سال های ۴۳– ۱۹۴۲ در اردوگاه های شلمنو و آشویتس کشته شدند.» محمد همتی پیش از «شکوه زندگی» کتاب های دیگری در ارتباط با کافکا ترجمه کرده بود: زندگینامه کافکا به قلم کلاوس واگنباخ در نشر پارسه و «عروسک کافکا» گرت اشنايدر در نشر نو. به مناسبت انتشار «شکوه زندگی» با محمد همتی درباره این رمان و ویژگی هایش گفت و گو کرده ایم که در ادامه می خوانید.

◆ پیش از «شکوه زندگی» آثار دیگری که به نوعی با کافکا مربوط بودند، ترجمه کرده بودید و به نظر می رسد با دغدغه کافکا همراه هستید. این طور نیست؟

به نظرم این کافکاست که با ما همراه است. حتما صفت کافکایی یا کافکانسک را شنیده اید. مثلاً الان وضعیت زلزله زدگان کرمانشاه یک وضعیت کافکایی است. مردم بی خانمان در زمهریر زمستان کرمانشاه زیر چادرهایی پناه گرفته‌اند که هوای داخلشان سردتر از هوای بیرون است. بگذریم… هر کس به ادبیات پناه ببرد، همان دم در کافکا را می بیند که ایستاده و منتظرش است. در مورد خودم بهتر است بگویم بیشتر دغدغه این وضعیت کافکایی را دارم تا دغدغه کافکا. سال ها پیش زمانی که هنوز قلم در دست گرفتن و نشستن پشت میز ترجمه را می آموختم، زندگینامه ای از کافکا را تحت سرپرستی آقای رضا نجفی ترجمه کردم. بعد از آن رمان عروسک کافکا» را

در نشر نو کار کردم و بعد به سراغ رمان «شکوه زندگی» رفتم. از میان مترجمان معاصران می توانم به ناصر غیائی اشاره کنم که می دانم واقعا دغدغه کافکا و شناساندنش را دارد.

◆ میثاییل کومپفمور از نویسندگان امروز ادبیات آلمانی زبان است که پیش تر در ایران شناخته شده نبود. چرا به سراغ این نویسنده و مشخصاً رمان «شکوه زندگی» رفتید؟

به نظرم یکی از وظایف مترجمان شناسندن صداهای نو در ادبیات است. «شکوه زندگی» درواقع پیشنهاد نشر نو بود. راستش را بخواهید، در آغاز نگران بودم اثر جز نام کافکا چیزی نداشته باشد و به همین خاطر ترجمه را برای مدتی به تعویق انداختم تا این که بالاخره به سراغ این اثر رفتم و دیدم نویسنده کارش ورای این حرف هاست.

◆ کومپفمور چه جایگاهی در ادبیات امروز آلمانی زبان دارد و سبک داستان نویسی او تحت تاثیر چه نویسندگانی است؟

به نظرم نویسنده امروزی، آن هم اروپایی یا به طور مشخص غربی منابع الهام متعددی در اختیار دارد. یافتن رگه های تاثیرپذیری در آثار امروزی کمی دشوار است یا دست کم من آدمش نیستم. البته این سوالی است که در دیدار بعدی با او حتما خواهم پرسید. کومپفمور هم مثل هر نویسنده خوبی شاخک های تیزی برای فهم جهان معاصر دارد و آثارش هم گواه بر همین است. او به دلیل همین تیزبینی در سال ۲۰۱۳ برای کتابش، «پیامی به همه»، برنده جایزه ادبی آلفرد دوبلین شد. از این گذشته کومپفمور نشان داده است دست توانایی در نوشتن آثاری با الهام از زندگی نویسندگان و ادبا دارد. همین تازگی که او را در برلین دیدم، گفت به پیشنهاد ناشر آلمانی «شکوه زندگی»، ماجرای ده روز آخر نویسنده دیگری را برای نگارش رمانی انتخاب کرده است. تردید ندارم در این یکی هم موفق خواهدشد.

سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۶

خبر

«تنگه ابوقریب» رکورددار دریافت سیمرغ از فجر شد



بخش فرهنگی – فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» رکورددار دریافت سیمرغ بلورین از سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر شد.

به گزارش ایسنا در آیین پایانی سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» با دریافت ۶ سیمرغ رکورددار دریافت بیشترین جایزه از جشنواره فیلم فجر شد.

بعد از این فیلم، فیلم سینمایی «مغزهای کوچک زنگ زده» به کارگردانی هومن سیدی با دریافت ۴ سیمرغ در رتبه بعدی قرار گرفت.

سپس سه فیلم سینمایی «سرو زیر آب»، «به وقت شام» و «عرق سرد» با دریافت سه سیمرغ و فیلم‌های سینمایی «بمب یک عاشقانه» و «دارکوب»، «چهارراه استانبول» با دریافت دو سیمرغ در رتبه بعدی جای گرفتند.

فیلم‌های سینمایی «خجالت‌نکش» و «کامیون» هم موفق به دریافت یک سیمرغ بلورین شدند و امین حیایی برای بازی در فیلم «شعله‌ور» دیپلم افتخار دریافت کرد.

.....

معرفی نامزدهای

بخش «درباره شعر» جشنواره

شعر فجر

بخش فرهنگی – هیئت داوران بخش «درباره شعر» دوازدهمین جشنواره شعر فجر اسامی شش نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی این بخش را اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، آثار راه‌یافته به مرحله نهایی دوری دوازدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر (به ترتیب الفبای نام کتاب‌ها) به شرح زیر است:

«پاپ‌نامه» به قلم سعید کربمی از انتشارات فصل پنجم «در پی آن آشنا» به قلم سیدمحمد راستگو از نشر نی

«سیاست در شعر نو» به قلم محمد کمالی‌زاده از انتشارات دانشگاه مفید قم

«شاهنامه و شعر زمان فردوسی» به قلم پروفیسور خدائی شریف‌زاده، زیر نظر دکتر محمدجعفر یاحقی از انتشارات بنشر

«صد سال عشق مجازی» به قلم دکتر محمود فتوحی از نشر سخن

«فرهنگنامه صور خیال در دیوان خاقانی» به قلم سعید مهوی‌فر از نشر زوار

این شش اثر با داوری «محمدرضا سنگری»، «مریم جلالی» و «عبدالحمید ضیایی» به مرحله نهایی دوازدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر راه پیدا کردند.

دکتر محمدرضا سنگری سال ۱۳۳۳ در شوش به دنیا آمده و فارغ‌التحصیل دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است. کتاب «بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس» اثر این نویسنده که در سه جلد نوشته شده به عنوان برترین کتاب سال دفاع مقدس شناخته شده است. سنگری استاد دانشگاه تهران، پژوهشگر و کربلاپژوه، مؤلف کتاب‌های درسی و نویسنده کتاب «سلام موعود: شرحی بر زیارت ناحیه مقدسه» است.«سوگ سرخ»، «حنجره معصوم»، «کرشمه‌های قلم»، «یادهای سبز» و «پیوند دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس» از دیگر اوست.

دکتر مریم جلالی متولد ۱۳۵۲ و دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی است. آثار او را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم کرد: مقالات (چاپ‌شده در مجلات علمی – پژوهشی، ارائه شده در همایش ها)، تالیف و تصنیف (شعر، بازارفرینی، داستان، تحقیق و پژوهش در حوزه‌های کودک و نوجوان و کلیات) و در نهایت آثار ترجمه از زبان‌های عربی و انگلیسی. عمده فعالیت جلالی را می‌توان پژوهش در متون کهن همچون شاهنامه دانست.

سیدعبدالحمید ضیایی متولد سال ۱۳۵۴ در چهارمحال و بختیاری است. دانش آموخته حقوق قضایی و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران است. وی دکترای خود را در رشته فلسفه غرب از دانشگاه سوربن فرانسه گرفته است. برخی آثار ضیایی در حوزه‌های عرفان تطبیقی، فلسفه تحلیلی و ادبیات فارسی بدین شرح است: در غیاب خداوند (تبارشناسی اندیشه‌های الحادی در فلسفه‌غرب)، نشر اوپوزه، جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا، نشر هزاره ققنوس، در تناسخ کلمات (گزیده غزل ها و شعرهای سپید)، عاشقانه‌های یک باغی (بازخوانی زندگی، شعر و اندیشه های سرمد...)، تصحیح ترجمه منظوم رامایانا (کهن ترین حماسه عاشقانه هند)، لیلی‌های لیبرال (مجموعه شعر) و بررسی اندیشه‌های فلسفی در شعر بیدل دهلوی.